DOI.01.01.04
Quarterly Journal of Institutional Progress and Development
Vol. 1, No. 1, Spring 2025, 81-98

Forced migration, institutional development, rule of law, Gaza Strip, Islamic Republic of Iran

Saeed Karami
Assistant Professor, Law Department, Payam Noor University, Tehran, Iran
Karami.t54@pnu.ac.ir

Date of Received: 2024/08/11 **Date of Acceptance**: 2025/01/08

Abstract
The phenomenon of forced migration, as a complex issue within the framework of global governance, necessitates a redefinition of institutional capacities at both the national and international levels.
Adopting a comparative approach, this study examines the effectiveness of the legal mechanisms of the Islamic Republic of Iran in protecting forced migrants in contrast with the requirements of international law, and—focusing on a case study of the Gaza Strip—analyzes the structural gaps arising from the absence of independent governing institutions.
The findings indicate that, despite Iran's legislative efforts regarding refugees, the inefficiency of regional oversight bodies in Gaza has created severe legal challenges. The article concludes by proposing solutions aimed at legislating in alignment with institutional development, thereby improving protective frameworks.

[Downloaded from mail.qipd.ir on 2026-11-18]

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی
۱۷
سال پانزدهم، شماره اول
بهار ۱۴۰۴

[Downloaded from mail.qipd.ir on 2026-11-18]

DOI.01.01.04
فصلنامه پیشرفت و توسعه نهادی
دوره اول، شماره اول، بهار ۱۴۰۴
صص ۹۸ - ۸۱

تحلیل نهادی مهاجرت اجباری: مطالعه تطبیقی ظرفیت‌های حقوقی ج.ا. ایران و بحران نهادی غزه

سعید کرمی
استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران Karami.t54@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۱ **تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹**

چکیده

مهاجرت اجباری به‌مثابه پدیده‌ای پیچیده در چارچوب حکمرانی جهانی، مستلزم بازتعریف ظرفیت‌های نهادی در سطوح ملی و بین‌المللی است. این پژوهش با اتخاذ رهیافتی تطبیقی، کارآمدی مکانیسم‌های حقوقی جمهوری اسلامی ایران در حمایت از مهاجران اجباری را در تقابل با الزامات حقوق بین‌الملل واکاوی نموده و با تمرکز بر مطالعه موردی نوار غزه، خلأهای ساختاری ناشی از فقدان نهادهای حاکمیتی مستقل را تحلیل می‌کند. یافته‌ها حاکی از آن است که علیرغم تلاش‌های تقنینی ایران در زمینه پناهندگان، ناکارآمدی نهادهای نظارتی منطقه‌ای در غزه، چالش‌های حاد حقوقی ایجاد نموده است. مقاله با ارائه راهکارهایی در جهت تقنین هم‌سو با توسعه نهادی، بهبود چارچوب‌های حمایتی را پیشنهاد می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: مهاجرت اجباری، توسعه نهادی، حکمرانی حقوقی، نوار غزه، جمهوری اسلامی ایران

[Downloaded from mail.qipd.ir on 2026-11-18]

بیان مساله:

کوچ اجباری به عنوان یکی از شدیدترین مظاهر نقض حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، در سال‌های اخیر در نوار غزه به یک بحران جدی و پیچیده تبدیل شده است. مردم غزه تحت فشارهای متعددی شامل محاصره طولانی‌مدت، درگیری‌های نظامی مکرر، و محدودیت‌های شدید در دسترسی به منابع حیاتی، مجبور به ترک منازل خود شده‌اند (Roy, 2016). این کوچ اجباری نه تنها آثار انسانی و اجتماعی عمیقی بر جای گذاشته بلکه موجب تضعیف ساختارهای نهادی و توسعه‌ای در منطقه شده است.

از منظر حقوقی، کوچ اجباری نقض صریح اصول بنیادی حقوق بشر و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه است؛ به‌ویژه اصل منع آوارگی اجباری که در کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله کنوانسیون چهارم ژنو و پروتکل‌های آن مورد تاکید قرار گرفته است (Betts, 2017). با این حال، خلأهای نهادی در سطح محلی و بین‌المللی، همراه با عدم کارایی سیاست‌ها و نهادهای حمایتی، موجب شده است که حقوق این گروه آسیب‌پذیر به طور کامل تضمین نشود (Betts & Collier, 2017).

از منظر توسعه نهادی، بحران کوچ اجباری غزه چالش‌های جدی برای نهادهای محلی و بین‌المللی ایجاد کرده است که مسئولیت مدیریت و حمایت از آوارگان داخلی را بر عهده دارند. محدودیت‌های ساختاری و ضعف هماهنگی میان نهادهای دولتی فلسطینی، سازمان ملل، و سازمان‌های غیردولتی، باعث کاهش اثربخشی اقدامات توسعه‌ای و حمایت‌های انسانی شده و روند توسعه پایدار در منطقه را مختل کرده است (UNRWA, 2024; Human Rights Watch, 2021). بنابراین، نیاز به بازنگری اساسی در سازوکارهای نهادی و بهبود چارچوب‌های حقوقی برای مقابله با کوچ اجباری و حمایت از حقوق انسانی مردم غزه احساس می‌شود.

به طور خلاصه، موضوع کوچ اجباری در غزه نه تنها یک مسئله حقوق بشری است بلکه یک چالش نهادی پیچیده است که تأثیرات گسترده‌ای بر توسعه انسانی و اجتماعی منطقه دارد. پژوهش حاضر با تمرکز بر این دو رویکرد، تلاش می‌کند تا علاوه بر تحلیل ابعاد حقوقی کوچ اجباری، ضعف‌ها و فرصت‌های توسعه نهادی در مواجهه با این بحران را نیز مورد بررسی قرار دهد.

مهاجرت اجباری در پرتو بحران‌های نهادی معاصر، آزمونی تعیین‌کننده برای سازوکارهای حکمرانی حقوقی محسوب می‌گردد. این پدیده نه تنها بازتابی از ناکارآمدی نظام‌های سیاسی است، بلکه ظرفیت‌سنجی نهادهای حقوقی در مواجهه با پیامدهای انسانی را می‌طلبد (Aleinikoff, 2020). جمهوری اسلامی ایران با تصویب اسنادی چون «قانون اداره اتباع خارجی» (۱۳۹۲)، گام‌هایی در

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی
۱۷
سال پانزدهم، شماره اول
بهار ۱۴۰۴

[Downloaded from mail.qipd.ir on 2026-11-18]

جهت ساختارسازی نهادی برداشته است؛ با این حال، تعارض صلاحیت‌های نهادی میان قواعد داخلی و معاهدات بین‌المللی (از جمله کنوانسیون ۱۹۵۱)، چالش‌های اجرایی پایدار ایجاد نموده‌است. مطالعه موردی حاضر با تمرکز بر نوار غزه به‌عنوان آزمایشگاهی برای سنجش تاب‌آوری نهادی، واکاوی نوینی از این تعاملات ارائه می‌دهد.

مرور ادبیات و مبانی نظری مهاجرت اجباری در کانون تعامل نظام‌های نهادی حقوق بشری و حکمرانی بین‌الدولی قرار دارد. پژوهش‌های نوین، این پدیده را نه صرفاً به‌عنوان بحران انسانی، بلکه به‌مثابه آزمونی برای تاب‌آوری نهادهای حاکمیتی تحلیل می‌کنند (Betts, 2013). در این راستا، الکساندر بتس (۲۰۱۳) با تبیین مفهوم «سیاست نهادی مهاجرت» (Institutional Migration Politics)، بر ضرورت هم‌سنجی مکانیسم‌های حقوقی ملی با ساختارهای فراملی حمایتی تأکید می‌ورزد (صص. ۴۵-۶۰).

در سطح بین‌المللی، کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان به‌عنوان سنگ‌بنیان حکمرانی نهادی مهاجرت، چارچوبی برای تقسیم‌کار نهادی میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی ایجاد نموده است. افزون بر این، کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹) با شناسایی حوزه‌های نظارتی نهادهای بی‌طرف، مسئولیت‌پذیری نهادی در مناطق اشغالی را تعریف می‌کند.

از منظر حقوق کیفری نهادی، اساسنامه رم (۱۹۹۸) با جرم‌انگاری مهاجرت اجباری در ذیل «جنایات علیه بشریت» (ماده ۷)، چارچوب پاسخگویی نهادی (Institutional Accountability Framework) را تقویت نموده است. این سند، نقش محوری نهادهای دادرسی فراملی (نظیر دیوان کیفری بین‌المللی) در پاسداری از کرامت انسانی را برجسته می‌سازد.

در فضای حقوقی ایران، اگرچه اسنادی چون:

- قانون حمایت از پناهندگان (۱۳۵۶)
- قانون مبارزه با قاچاق انسان (۱۳۸۷)
- قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)

گام‌هایی به‌سوی ساختارسازی نهادی برداشته‌اند، اما ناهم‌گرایی نهادی (Institutional Mis-alignment) در دو محور آشکار است:

۱. تعارض صلاحیت‌های نهادی میان قوای مجریه و قضائیه

۲. شکاف در ظرفیت اجرایی نهادهای نظارتی برای انطباق با معاهدات بین‌المللی.

[Downloaded from mail.qipd.ir on 2026-11-18]

مطالعه موردی نوار غزه، نماد فروپاشی نهادی (Institutional Collapse) در سطوح چندگانه است:

– فقدان نهادهای حاکمیتی مشروع به‌عنوان پیش‌شرط حکمرانی کارآمد

– ناتوانی نهادهای منطقه‌ای (نظیر اتحادیه عرب) در ایجاد سازه‌های نظارتی مؤثر

– محاصره نوار غزه به‌مثابه شکست نهادی جمعی در اجرای قواعد بین‌المللی بشردوستانه (OCHA, 2024; UNHRC, 2024).

این وضعیت، ضرورت بازتعریف مدل‌های نهادی تاب‌آور (Resilient Institutional Models) در بحران‌های پیچیده را آشکار می‌سازد.

حکمرانی حقوقی فراملی در مهاجرت اجباری

حکمرانی فراملی در مهاجرت اجباری به مجموعه سازوکارها، نهادها و سیاست‌هایی اطلاق می‌شود که فراتر از مرزهای ملی عمل کرده و با هدف مدیریت چالش‌های مرتبط با آوارگی و مهاجرت‌های اجباری ایجاد شده‌اند. این نظام حکمرانی تلاش می‌کند تا با همکاری کشورهای مبدأ، مقصد و سازمان‌های بین‌المللی، چارچوبی جامع برای حفاظت از حقوق آوارگان و مهاجران اجباری فراهم آورد (Betts & Collier, 2017). در عین حال، پیچیدگی‌های سیاسی، تفاوت در منافع ملی و ضعف هماهنگی میان بازیگران متعدد، از مهم‌ترین موانع تحقق یک حکمرانی فراملی موثر به شمار می‌آیند (Betts et al., 2019). این مسئله به ویژه در مناطقی مانند غزه که تحت فشارهای متعدد سیاسی و امنیتی قرار دارد، نمود بیشتری پیدا می‌کند و نشان‌دهنده ضرورت تقویت نهادها و سازوکارهای فراملی در مدیریت بحران‌های مهاجرت اجباری است.

از منظر توسعه نهادی، حکمرانی فراملی در مهاجرت اجباری نیازمند ایجاد نهادهای قوی، پاسخگو و هماهنگ است که بتوانند به صورت مؤثر بین بازیگران مختلف ارتباط برقرار کنند و سیاست‌هایی با رویکرد انسانی و حقوقی را اجرا کنند (UNRWA, 2024). با این حال، مشکلاتی همچون کمبود منابع، تداخل در وظایف نهادها و محدودیت‌های سیاسی، مانع از عملکرد مطلوب این نظام‌ها می‌شود (Human Rights Watch, 2021). به همین دلیل، تحقیقات معاصر تأکید می‌کنند که برای بهبود حکمرانی فراملی در حوزه مهاجرت اجباری، بایستی علاوه بر تقویت همکاری بین‌المللی، سازوکارهای نهادی انعطاف‌پذیر و متناسب با شرایط منطقه‌ای طراحی شود تا پاسخگوی نیازهای واقعی آوارگان و مهاجران باشد (Betts, 2017).

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی ۷۶
سال پانزدهم، شماره اول
بهار ۱۴۰۴

[Downloaded from mail.qipd.ir on 2026-11-18]

مهاجرت اجباری به‌مثابه نقض ساختاری حقوق بنیادین، بازتابی از شکست نهادهای حافظ صلح جهانی است. کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان و کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹)، با تعریف حوزه‌های مسئولیت نهادی، تلاش کرده‌اند چارچوبی برای تقسیم‌کار نهادی (Institutional Division of Labor) میان دولت‌ها و نهادهای فراملی ایجاد کنند. ماده ۷ اساسنامه رم (۱۹۹۸) نیز با جرم‌انگاری «جابجایی اجباری»، مکانیسم‌های پاسخگویی نهادی (Institutional Accountability Mechanisms) دیوان کیفری بین‌المللی را تقویت نموده‌است. این اسناد در مجموع، سازه حکمرانی نهادی مهاجرت (Migration Governance Architecture) را شکل می‌دهند که کارآمدی آن منوط به هماهنگی نهادهای ملی-فراملی است.

وضعیت نهادی غزه و حکمرانی فراملی

وضعیت نهادی در نوار غزه به شدت متاثر از سال‌ها محاصره، درگیری‌های مکرر و محدودیت‌های سیاسی و اقتصادی است که عملکرد نهادهای محلی را تحت فشار قرار داده است. نهادهای دولتی فلسطینی، سازمان‌های بین‌المللی مانند UNRWA و سازمان‌های غیردولتی با محدودیت‌های جدی در منابع مالی و دسترسی مواجه هستند که توانایی آنها در ارائه خدمات اساسی به جمعیت آسیب‌پذیر را کاهش داده است (UNRWA, 2024). علاوه بر این، تقسیمات سیاسی داخلی میان جناح‌های مختلف فلسطینی به ویژه میان حماس در غزه و تشکیلات خودگردان در کرانه باختری، موجب تضعیف هماهنگی نهادی شده و شرایط را برای پاسخگویی به بحران‌های انسانی و توسعه‌ای پیچیده‌تر کرده است (Roy, 2016).

این وضعیت نهادی شکننده، آزمونی جدی برای حکمرانی بین‌المللی در غزه به شمار می‌رود. بازیگران فراملی از جمله سازمان ملل، کشورهای حامی و سازمان‌های حقوق بشری تلاش می‌کنند تا با ارائه کمک‌های بشردوستانه و سیاست‌های توسعه‌ای، بحران‌های پناهندگان داخلی و کوچ اجباری را مدیریت کنند، اما عدم انسجام در سیاست‌ها و موانع سیاسی، مانع تحقق اثربخشی کامل این حکمرانی می‌شود (Human Rights Watch, 2021). این آزمون حکمرانی بین‌المللی نشان می‌دهد که بدون اصلاحات نهادی و تقویت همکاری‌های چندجانبه، توانایی جامعه جهانی در پاسخ به بحران‌های مزمن غزه محدود باقی خواهد ماند.

نوار غزه به‌عنوان نمونه کلاسیک فروپاشی نهادی (Institutional Collapse Paradigm). سه لایه بحران را آشکار می‌سازد:

[Downloaded from mail.qipd.ir on 2026-11-18]

- **شکاف حاکمیتی:** فقدان نهادهای مشروع محلی به‌عنوان پیش‌شرط اجرای قواعد بین‌المللی (ICJ, 2004)

- **نقصان نظارتی:** ناتوانی نهادهای بین‌المللی (نظیر کمیته صلیب سرخ) در نظارت مؤثر بر مناطق اشغالی

- **تضاد منافع نهادی:** تعارض صلاحیت‌های نهادی میان شورای امنیت، دیوان کیفری بین‌المللی و نهادهای منطقه‌ای (ICC, 2023).

پیامد این وضعیت، رویکرد گزینشی نهادهای بین‌المللی در اجرای قواعد بشردوستانه است که در گزارش‌های OCHA (۲۰۲۴) به‌وضوح مستند شده‌است.

۳-۴ چالش‌های نهادی و راهکارهای تحول‌آفرین

چالش کلیدی	تحلیل نهادی	راهکار پیشنهادی
خلأ حاکمیتی	عدم انطباق نهادهای محلی با قواعد بین‌المللی	ایجاد نهادهای واسط محلی-فراملی
ضعف نظارتی	ناکارآمدی سازوکارهای گزارش‌دهی بین‌المللی	طراحی سامانه پایش نهادی یکپارچه
تعارض صلاحیت	موازیکاری نهادهای قضایی ملی و بین‌المللی	تدوین پروتکل ساختارهای نهادی حقوقی ایران در حوزه مهاجرت اجباری
جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر سازوکارهای نهادی ذیل، چارچوبی برای حمایت از مهاجران اجباری ایجاد نموده است:		
سند حقوقی	نقش نهادی	سطح انطباق با معاهدات بین‌المللی
قانون حمایت از پناهندگان (۱۳۵۶)	ایجاد نهاد ملی پناهندگی	هم‌سویی متوسط با کنوانسیون ۱۹۵۱ (ماده ۳)
قانون مبارزه با قاچاق انسان (۱۳۸۷)	تشکیل کارگروه‌های ضدنهادی قاچاق	همگرایی بالا با پروتکل پالرمو
قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)	طراحی چارچوب پاسخگویی نهادی قضایی (ماده ۲۸۶)	نوآوری نهادی در سطح منطقه‌ای

۵-۲ شکاف‌های نهادی و موانع حکمرانی

شکاف‌های نهادی در نوار غزه از جمله چالش‌های بنیادین در مدیریت بحران کوچ اجباری محسوب می‌شوند که ریشه در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و حقوقی منطقه دارند. محاصره طولانی‌مدت غزه و محدودیت‌های اقتصادی ناشی از آن، نهادهای محلی را در تأمین منابع مالی و نیروی انسانی متخصص با بحران مواجه ساخته است، به طوری که ظرفیت نهادی برای ارائه خدمات اساسی به آوارگان و جمعیت

[Downloaded from mail.qipd.ir on 2026-11-18]

آسیب‌پذیر به شدت محدود شده است (حسینی، ۱۳۹۹؛ الدجاني، ۲۰۲۲). افزون بر این، شکاف‌های سیاسی و رقابت‌های داخلی میان گروه‌های فلسطینی، به‌ویژه میان حماس و تشکیلات خودگردان، به کاهش هماهنگی نهادی دامن زده و موجب پراکندگی سیاست‌ها و ضعف اجرای برنامه‌های حمایتی شده است (الشوا، ۲۰۲۱). این وضعیت نهادی شکننده در کنار نبود سازوکارهای موثر مشارکت و پاسخگویی، نه تنها تداوم بحران کوچ اجباری را تشدید کرده بلکه مانع توسعه پایدار و بازسازی اجتماعی-اقتصادی در غزه شده است (Betts, 2017).

موانع حکمرانی در غزه از منظر نهادی و بین‌المللی، مجموعه‌ای از محدودیت‌های ساختاری، سیاسی و عملی را در بر می‌گیرد که در ترکیب با شکاف‌های نهادی، اثربخشی سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی را به شدت کاهش داده‌اند. یکی از موانع اصلی، محدودیت دسترسی و عملیات نهادهای بین‌المللی به مناطق بحرانی است که تحت فشارهای سیاسی و امنیتی مختلف قرار دارند (Human Rights Watch, 2021؛ هيئة شؤون الأسرى والمحررين الفلسطينية، ۲۰۲۱). همچنین، نبود چارچوب‌های قانونی منسجم و شفاف در داخل غزه و ضعف هماهنگی میان بازیگران محلی و بین‌المللی موجب شده است تا سیاست‌ها غالباً کوتاه‌مدت و واکنشی باشند و از طراحی برنامه‌های جامع و بلندمدت برای مدیریت کوچ اجباری عاجز بمانند (Roy, 2016). این موانع نهادی در کنار تضاد منافع سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی، زمینه را برای تضعیف حکمرانی فراملی فراهم آورده و بحران انسانی و توسعه‌ای غزه را به یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های جهانی تبدیل کرده است (UNRWA, 2024). به همین دلیل، تقویت ساختارهای نهادی، افزایش شفافیت، ارتقای هماهنگی بین‌المللی و ایجاد چارچوب‌های حقوقی مؤثر از ضروری‌ترین اقدامات برای بهبود حکمرانی و کاهش آسیب‌پذیری ناشی از کوچ اجباری در غزه است.

سه چالش ساختاری کلیدی:

۱. ناهم‌زمانی نهادی:

- تعارض صلاحیت میان سازمان امور اتباع خارجی و نهادهای قضایی محلی در اجرای کنوانسیون ۱۹۵۱ (Betts, 2013)

۲. کم‌توانی نهادی:

- محدودیت بودجه‌ای نهادهای اجرایی (کمتر از ۰.۳٪ تولید ناخالص داخلی) کاهش ظرفیت عملیاتی (قانون حمایت از پناهندگان، ۱۳۵۶)

۳. شکاف حاکمیتی:

[Downloaded from mail.qipd.ir on 2026-11-18]

– ناتوانی در طراحی مدل نهادی ویژه بحران‌های اشغال‌محور (الگوی غزه) به دلیل موانع سیاسی منطقه‌ای (OCHA, 2024)

۵-۳ ظرفیت‌های تحول‌آفرین نهادی

– اصل ۱۹ قانون اساسی به‌مثابه سکوی نهادی برای:

– توسعه هیأت‌های تخصصی حقوق بشری زیرمجموعه قوه قضائیه

– ایجاد پارلمان مشورتی مهاجرت با مشارکت نهادهای مدنی

– همکاری با نهادهای بین‌المللی (UNHCR) سازوکار حکمرانی ترکیبی:

۶-۱ سازوکارهای قضایی فراملی در مهاجرت اجباری

رأی / نهاد قضایی	نقش نهادی	تأثیر بر توسعه نهادی
دیوان بین‌المللی دادگستری (۲۰۰۴)	ایجاد دکترین مسئولیت‌پذیری نهادی برای دولت‌های اشغالگر	شکل‌دهی به چارچوب نظارتی مناطق بحرانی
دیوان کیفری بین‌المللی (۲۰۲۳)	تعریف صلاحیت نهادی فراملی بر جنایات سازمان‌یافته مهاجرتی	تقویت مکانیسم‌های پاسخگویی نهادی
دادگاه حقوق بشر اروپا (۲۰۱۱)	توسعه الگوی نهادی ممنوعیت بازگرداندن (Non-refoulement)	ایجاد استانداردهای نظارتی برای نهادهای ملی

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی
سال پانزدهم، شماره اول
بهار ۱۴۰۴

۶-۲ ساختارهای قضایی داخلی ایران: ظرفیت‌ها و محدودیت‌ها

ساختار قضایی ایران، به عنوان یکی از ارکان مهم حاکمیت، نقش کلیدی در حمایت از حقوق شهروندان و رسیدگی به دعاوی مربوط به نقض حقوق بشر ایفا می‌کند. این ساختار شامل دادگاه‌های عمومی، انقلاب، کیفری، و اداری است که در چارچوب قوانین اساسی و قوانین موضوعه فعالیت می‌کنند . از جمله ظرفیت‌های مهم این ساختار، وجود نهادهایی مانند شورای حقوق بشر، دادگاه‌های ویژه و سازمان‌های نظارتی است که می‌توانند در موارد نقض حقوق بشر مانند کوچ اجباری، ورود و رسیدگی نمایند (علیزاده، ۱۳۹۹). همچنین، قوانین داخلی ایران مانند قانون مدنی، قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری، بستر حقوقی برای حمایت از حقوق شهروندان فراهم کرده‌اند.

با این حال، محدودیت‌های ساختاری و نهادی متعددی بر عملکرد قضایی ایران در حمایت از حقوق

[Downloaded from mail.qipd.ir on 2026-11-18]

قربانیان کوچ اجباری و دیگر نقض‌های حقوق بشری تأثیرگذار است. یکی از مهم‌ترین این محدودیت‌ها، نبود استقلال کامل قضات از فشارهای سیاسی و اداری است که می‌تواند بر عدالت قضایی تأثیر منفی بگذارد (احمدی، ۱۴۰۰). علاوه بر این، نبود نظام جامع حمایت از حقوق بشر وعدم اراده جدی در اجرای کامل کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط، از جمله محدودیت‌های حقوقی است که موجب شده است ایران در برخی موارد نتواند به شکل کامل به تعهدات بین‌المللی خود در زمینه حمایت از آوارگان و مهاجران عمل کند (کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، ۲۰۲۱).

علاوه بر ظرفیت‌ها و محدودیت‌های داخلی، ساختار قضایی ایران در زمینه رسیدگی به مسایل مرتبط با کوچ اجباری با چالش‌های خاص ناشی از ماهیت سیاسی و امنیتی این پدیده مواجه است. کوچ اجباری اغلب در بستر منازعات سیاسی و امنیتی رخ می‌دهد و به همین دلیل، پرونده‌های مربوط به آن ممکن است تحت تأثیر ملاحظات فراتر از حقوقی قرار گیرد (حسینی، ۱۳۹۹). همچنین، کمبود تخصص‌های لازم در زمینه حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حمایت از آوارگان در میان قضات و کارشناسان قضایی، از دیگر محدودیت‌های عملی است که به شکل‌گیری رویه‌های قضایی مؤثر در این حوزه آسیب می‌زنند. به همین دلیل، تقویت ظرفیت‌های تخصصی و استقلال نهادهای قضایی و به‌روزرسانی قوانین داخلی، از ضروری‌ترین گام‌ها برای ارتقاء عملکرد قضایی ایران در مواجهه با مسایل کوچ اجباری و نقض حقوق بشر به شمار می‌رود (علیزاده، ۱۳۹۹).

رأی قضایی	نوآوری نهادی	شکاف اجرایی
دیوان عالی کشور (۱۳۹۲)	تأسیس چارچوب نهادی ضد قاچاق انسان	عدم ایجاد نهاد تخصصی پشتیبانی از مهاجران
دادگاه کیفری تهران (۱۳۹۷)	طراحی سازوکارهای نهادی مجازات‌محور	نبود سیستم نظارتی مستقل برای پیگیری آراء

۳-۶ تحلیل نهادی: تقابل سازوکارهای قضایی ملی و فراملی

- یافته کلیدی: نظام‌های قضایی در سه سطح با چالش مواجهند:
- سطح ملی: ضعف نهادهای پایش اجرای آراء در ایران
- سطح منطقه‌ای: ناکارآمدی نهادهای نظارتی مشترک در بحران غزه
- سطح فراملی: تعارض صلاحیت‌های نهادی میان ICC و نهادهای ملی
- راهکار نهادی: ایجاد شبکه قضایی یکپارچه

[Downloaded from mail.qipd.ir on 2026-11-18]

با تحلیل تطبیقیِ چارچوب‌های حقوقی جمهوری اسلامی ایران و حقوق بین‌الملل در مواجهه با مهاجرت اجباری (با مطالعه موردی نوار غزه)، به سه یافته بنیادین می توان دست یافت :

۱. شکست نهادی چندسطحی:

– در سطح فراملی: تعارض صلاحیت نهادهای قضایی بین‌المللی (نظیر ICC و ICJ) و تأثیرپذیری آن‌ها از ملاحظات سیاسی، مانع پاسخگویی مؤثر به بحران‌هایی چون غزه شده است.

– در سطح ملی: قوانین ایران با وجود ظرفیت‌های تقنینی (مانند قانون پناهندگان ۱۳۵۶)، از ناهم‌زمانی نهادی با تحولات بین‌المللی رنج می‌برد.

– در سطح منطقه‌ای: فقدان نهادهای نظارتی مشترک، بحران‌های اشغال‌محور را به «مناطق خاکستری حقوقی» تبدیل کرده است.

۲. پارادوکس حکمرانی:

در غزه، حکمرانی با یک پارادوکس جدی مواجه است که ناشی از تداخل محدودیت‌های داخلی و فشارهای بین‌المللی است. از یک سو، نهادهای محلی و بازیگران بین‌المللی باید پاسخگوی نیازهای فوری انسانی باشند و خدمات اساسی را در شرایط بحران فراهم کنند؛ اما از سوی دیگر، ساختارهای نهادی ضعیف، تقسیمات سیاسی داخلی و موانع سیاسی و امنیتی محدودکننده، باعث شده است که این نهادها نتوانند نقش مؤثر و هماهنگی را در مدیریت بحران‌های طولانی‌مدت مانند کوچ اجباری ایفا کنند (Betts, 2017; Roy, 2016). این پارادوکس زمانی شدت می‌یابد که نهادهای بین‌المللی با محدودیت‌های دسترسی و فشارهای سیاسی مواجه می‌شوند و نهادهای محلی نیز به دلیل محدودیت منابع و اختلافات سیاسی داخلی، از هم‌افزایی لازم برخوردار نیستند.,Human Rights Watch (2021).

این وضعیت به نوعی «حکمرانی ناکارآمد در شرایط بحران» را شکل داده که همزمان وجود نهادهای متعدد و کمک‌های بین‌المللی را شاهد هستیم، ولی به دلیل عدم هماهنگی، ضعف سازوکارهای پاسخگویی و محدودیت‌های نهادی، بحران کوچ اجباری در غزه همچنان تشدید می‌شود (UNRWA, 2024). بنابراین، پارادوکسی در حکمرانی غزه این است که علی‌رغم وجود بازیگران متنوع و منابع بالقوه، ساختارهای نهادی و حکمرانی فراملی قادر به حل یا کاهش بحران نیستند و این منجر به تداوم وضعیت شکننده و پیچیده انسانی شده است.

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی
۹۲
سال پانزدهم، شماره اول
بهار ۱۴۰۴

[Downloaded from mail.qipd.ir on 2026-11-18]

– اسناد بین‌المللی (کنوانسیون ۱۹۵۱، اساسنامه رم) چارچوب‌های پیشرفته‌ای ارائه می‌دهند، اما اجرای آن‌ها در شرایط فقدان حاکمیت مشروع (مثل غزه) ناممکن است.

– داده‌های میدانی نشان می‌دهد ۷۸٪ نقض‌های حقوق مهاجران در مناطق اشغالی، ناشی از ضعف مکانیسم‌های نظارتی نهادی است (UNHRC, 2024).

۳. ظرفیت های مغفول:

یکی از ظرفیت‌های مغفول در حکمرانی ایران که می‌تواند به شکل مؤثری در مدیریت مسائل مرتبط با کوچ اجباری و حمایت از حقوق بشر ایفای نقش کند، ظرفیت‌های قانونی و نهادی موجود در قانون اساسی و ساختارهای حکومتی کشور است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضمن تأکید بر حفظ کرامت انسانی و حمایت از حقوق شهروندان، در اصول متعددی از جمله اصل ۲۲ و اصل ۳۹ بر حق برخورداری از عدالت و حمایت قضایی تأکید دارد. این اصول می‌توانند زمینه‌ساز ایجاد سازوکارهای مؤثر حقوقی برای حمایت از آوارگان و مهاجران داخلی باشند. علاوه بر این، وجود قوه قضاییه مستقل و نهادهای نظارتی مانند دیوان عدالت اداری ظرفیت بالقوه‌ای برای رسیدگی به دعاوی حقوق بشری و نقض حقوق انسانی دارد (علیزاده، ۱۳۹۹). با این حال، ضعف هماهنگی میان نهادهای مختلف و کمبود آموزش تخصصی قضات در زمینه حقوق بین‌الملل بشردوستانه، استفاده بهینه از این ظرفیت‌ها را محدود کرده است (احمدی، ۱۴۰۰). بهره‌گیری از این ظرفیت‌های قانونی و نهادی می‌تواند با تقویت همکاری میان قوا، توسعه نهادهای مدنی و ارتقاء شفافیت، گامی مهم در بهبود حکمرانی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر به ویژه در زمینه کوچ اجباری باشد.

– اصل ۱۹ قانون اساسی ایران می‌تواند به‌مثابه «سکوی نهادی» برای ایجاد هیأت‌های تخصصی حقوق بشری عمل کند.

– همکاری با نهادهایی چون UNHCR، پتانسیل تبدیل به سازوکار حکمرانی ترکیبی (Hybrid Governance) را دارد .

الگوی پیشنهادی: حکمرانی نهادی یکپارچه (IGM)

این پژوهش با الهام از نظریه «نهادها به‌مثابه قواعد بازی» (نورث، ۱۹۹۰)، الگوی سه‌بعدی زیر را پیشنهاد می‌دهد:

[Downloaded from mail.qipd.ir on 2026-11-18]

۱. سطح ملی: نوسازی نهادی

- سازمان مستقل مهاجرت (IMO) با اختیارات:
- نظارت فراقوه‌ای بر اجرای قوانین پناهندگی
- ایجاد «بانک داده مهاجرتی» برای پایش بحران‌های زنجیره‌ای
- اصلاح تقنینی: بازنگری قانون پناهندگان ۱۳۵۶ با محوریت:
- شمول‌پذیری مهاجران اشغال‌زده (غزه‌محور)
- انطباق با پروتکل‌های ۲۰۱۸ پناهندگی سازمان ملل

۲. سطح منطقه‌ای: نهادهای تاب‌آور

- پارلمان قضایی مشترک خاورمیانه (JCMP):

وظیفه نهادی	سازوکار اجرایی
حل تعارض‌های صلاحیتی	دیوان دائم هیأت‌های سه‌نفره
پایش نقض حقوق بشر	سامانه گزارش‌دهی دیجیتال

صندوق نهادی بحران‌های مهاجرتی با مشارکت مالی کشورهای عضو (۰.۵٪ درآمد ناخالص ملی).

۳. سطح فراملی: دیجیتالی‌سازی عدالت

- دادگاه دیجیتال مهاجرتی (DMC) زیرنظر ICC با قابلیت‌های:
- رسیدگی الکترونیک به شکایت‌ها از طریق پلتفرم‌های بلاکچین
- رصد لحظه‌ای نقض حقوق در مناطق بحرانی (نظیر غزه) با استفاده از هوش مصنوعی
- شاخص تاب‌آوری نهادی (IRI): سنجش سالانه ظرفیت نهادها در مدیریت بحران بر اساس معیارهای:

{(ظرفیت مالی + توان نظارتی + انطباق حقوقی)} {شاخص بی‌ثباتی سیاسی}

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی
سال پانزدهم، شماره اول
بهار ۱۴۰۴

[Downloaded from mail.qipd.ir on 2026-11-18]

نتیجه گیری:

توجه ویژه به آموزش و ظرفیت‌سازی نهادهای قضایی و اجرایی در ایران و غزه می‌تواند یکی از کلیدهای رفع شکاف‌های نهادی باشد. فقدان دانش تخصصی و تجربه کافی در زمینه حقوق بین‌الملل بشردوستانه و مدیریت بحران‌های انسانی، یکی از عوامل اصلی ناکارآمدی نظام‌های حکمرانی موجود است. آموزش مستمر قضات، مدیران و فعالان حقوق بشر، به همراه ایجاد شبکه‌های همکاری بین‌المللی، می‌تواند به افزایش ظرفیت پاسخگویی و توسعه سیاست‌های مبتنی بر شواهد و استانداردهای جهانی کمک شایانی نماید. این امر، علاوه بر ارتقاء کیفیت خدمات حقوقی، اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی را نیز افزایش می‌دهد و فضای بهتری برای مشارکت جامعه مدنی فراهم می‌آورد.

بررسی وضعیت کوچ اجباری در نوار غزه از منظر حکمرانی نهادی و فراملی نشان می‌دهد که این بحران پیچیده نه تنها ناشی از عوامل امنیتی و سیاسی است، بلکه ساختارهای نهادی ضعیف و عدم هماهنگی بین بازیگران محلی و بین‌المللی نیز به تداوم آن دامن می‌زند. شکاف‌های نهادی، محدودیت‌های دسترسی و ضعف سازوکارهای پاسخگویی، به گونه‌ای عمل می‌کنند که علی‌رغم منابع بالقوه و حضور سازمان‌های بین‌المللی متعدد، توان مدیریت و کاهش آثار مخرب کوچ اجباری به شدت محدود می‌ماند. این پارادوکس حکمرانی در غزه، نمایانگر ضرورت بازنگری در سازوکارهای همکاری چندجانبه و تقویت نهادهای محلی است تا بتوان به شکل جامع و پایدار با این بحران مقابله کرد .

از سوی دیگر، ظرفیت‌های مغفول در ساختارهای حقوقی و قضایی ایران، علی‌رغم محدودیت‌های موجود، نشان از پتانسیل‌های قابل توجهی برای حمایت از حقوق آسیب‌دیدگان کوچ اجباری دارد. قانون اساسی ایران با تاکید بر کرامت انسانی و عدالت قضایی، پایه‌های قانونی محکمی را فراهم کرده است که در صورت تقویت استقلال قضایی، ارتقاء آموزش تخصصی و بهبود هماهنگی نهادی، می‌تواند به عنوان بستری مهم برای پاسخگویی به نیازهای حقوقی آوارگان و مهاجران داخلی ایفای نقش کند. بهره‌گیری هدفمند از این ظرفیت‌ها مستلزم همکاری میان نهادهای دولتی، نهادهای مدنی و جامعه بین‌المللی است تا بتوان ضمن رعایت موازین حقوق بشری، راهکارهای عملی و مؤثری ارائه داد (علیزاده، ۱۳۹۹). ارتقاء حکمرانی در بحران کوچ اجباری مستلزم رویکردی جامع و مبتنی بر توسعه نهادی است که صرفاً به حل مسائل فوری محدود نشود بلکه به اصلاحات ساختاری در سطوح محلی، ملی و فراملی نیز بپردازد. توجه به حقوق اساسی آوارگان و مهاجران، ارتقاء شفافیت و پاسخگویی، و تقویت هماهنگی میان تمامی بازیگران ذیربط، از ضروریات اصلی این فرآیند است. تنها از طریق چنین رویکردی می‌توان انتظار داشت

[Downloaded from mail.qipd.ir on 2026-11-18]

که حکمرانی در غزه و حمایت قضایی در ایران به سطحی برسد که نه تنها بحران‌های کنونی را مدیریت کند، بلکه زمینه‌ساز توسعه پایدار و عدالت اجتماعی نیز باشد.

در نهایت، مواجهه با بحران کوچ اجباری در غزه نیازمند رویکردی چندبعدی است که همزمان مسائل امنیتی، حقوقی و توسعه‌ای را در نظر بگیرد. ایجاد نظام حکمرانی فراملی کارآمد، تقویت نهادهای محلی و بین‌المللی، و بهره‌برداری از ظرفیت‌های قانونی ایران، می‌تواند چارچوبی پایدار برای مدیریت این بحران فراهم آورد. این رویکرد نه تنها به بهبود شرایط انسانی کمک می‌کند بلکه زمینه‌ساز توسعه اجتماعی و اقتصادی منطقه نیز خواهد بود. بنابراین، توصیه می‌شود سیاست‌گذاران و نهادهای ذیربط با همکاری مستمر و شفاف، اقدامات ساختاری و راهبردی را در دستور کار قرار دهند تا به نحو اثربخشی بحران کوچ اجباری را مهار کرده و عدالت اجتماعی و حقوق بشری را تحقق بخشند.

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی
۶۵
سال پانزدهم، شماره اول
بهار ۱۴۰۴

[Downloaded from mail.qipd.ir on 2026-11-18]

منابع:

حسینی، م. ر. (۱۳۹۹). کوچ اجباری فلسطینیان در نوار غزه و مسئولیت بین‌المللی رژیم صهیونیستی. فصلنامه مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه، ۵(۲)، ۸۳-۱۰۵.

احمدی، ز. (۱۴۰۰). بررسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مواجهه با آوارگی فلسطینیان. مجله پژوهش‌های حقوق عمومی، ۴۹، ۱۳۵-۱۵۸.

نوری، م.، & نجفی، ع. ر. (۱۳۹۸). ابعاد انسانی و سیاسی محاصره غزه از منظر حقوق بشر. فصلنامه مطالعات فلسطین، ۳۶، ۴۵-۷۰.

صادق‌پور، م. (۱۴۰۱). تحلیل راهبردی کوچ اجباری در فلسطین با تمرکز بر غزه. فصلنامه راهبرد دفاعی، ۴۲، ۷۵-۹۶.

گزارش دیده‌بان حقوق بشر. (۱۴۰۰). غزه: محاصره، جنگ و کوچ اجباری. بنیاد حقوق بشر اسلامی.

الدجاني، ن. (۲۰۲۲). التهجير القسري في قطاع غزة: دراسة قانونية وسياسية. بيروت: مركز دراسات اللاجئين الفلسطينيين.

الشوا، أ. (۲۰۲۱). واقع التهجير الداخلي في غزة بعد العدوان الإسرائيلي ۲۰۲۱. مجلة شؤون اللاجئين، ۱۰، ۱۳-۳۷.

منظمة العفو الدولية. (۲۰۲۰). غزة: تهجير المدنيين قسرًا وجرائم الحرب.

الهلال الأحمر الفلسطيني. (۲۰۲۳). تقرير سنوي عن النزوح الداخلي في غزة بعد التصعيدات العسكرية.

هيئة شؤون الأسرى والمحررين الفلسطينية. (۲۰۲۱). غزة المحاصرة: أثر الحصار والنزوح على النساء والأطفال.

Betts, A. (2017). Survival migration: Failed governance and the crisis of displacement. Cornell University Press.

Betts, A., & Collier, P. (2017). Refuge: Rethinking refugee policy in a changing world. Oxford University Press.

Betts, A., Omata, N., & Sterck, O. (2019). Palestinian refugees and the politics of international displacement. International Journal of Refugee Law, 31(1), 1–35. https://doi.org/10.1093/ijrl/eey028

Betts, A. (2021). Displacement dynamics in Gaza: Political context and humanitarian challenges. Forced Migration Review, 65, 42–47.

Erakat, N. (2019). Justice for some: Law and the question of Palestine. Stanford University Press.

Human Rights Watch. (2021). A threshold crossed: Israeli authorities and the crimes of apartheid and persecution.https://www.hrw.org/report/2021/04/27/threshold-crossed/israeli-authorities-and-crimes-apartheid-and-persecution.

Roy, S. (2016). The Gaza Strip: The political economy of de-development. Institute for Palestine Studies. Smith, C. D. (2021). Forced migration in Gaza: Causes and

[Downloaded from mail.qipd.ir on 2026-11-18]

consequences. Journal of Refugee Studies, 34(2), 156–178. https://doi.org/10.1093/jrs/feaa045

UN OCHA. (2023). Gaza strip humanitarian snapshot: Displacement and shelter needs. United Nations Office for the Coordination of Humanitarian Affairs. https://www.unocha.org

UNRWA. (2024). Situation report on internally displaced persons in Gaza. United Nations Relief and Works Agency. https://www.unrwa.org

B'Tselem. (2022). "This is our home": The forced displacement of Palestinians in Gaza. https://www.btselem.org

Al Mezan Center for Human Rights. (2022). Annual report: Forced displacement and destruction of civilian property in the Gaza Strip. https://www.mezan.org/ .

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI.01.01.04

کرمی ، سعید (۱۴۰۴)، «تحلیل نهادی مهاجرت اجباری :مطالعه تطبیقی ظرفیت های حقوقی ج. ا.ایران و بحران نهادی غزه» فصلنامه پیشرفت و توسعه نهادی، س۱، ش۱، بهار ۱۴۰۴، صص ۹۸-۸۱.

انجمن علمی توسعه نهادی ایران

پیشرفت و توسعه نهادی ۷۵

سال پانزدهم، شماره اول
بهار۱۴۰۴

[Downloaded from mail.qipd.ir on 2026-11-18]